



Cities and Centers of Shiite Jurisprudential Texts Compilation and Transcription in Iran During the First Half of the Safavid State (1501-1588)

Habibollah Azimi¹ 

¹ Associate Professor of National Library and Archives of Iran, Tehran. Habibazimi@yahoo.com

Abstract

Purpose: To identify cities and centers where Shiite jurisprudential texts were compiled and copied.

Method: Data was collected by searching the Indexes of the Union Catalog of Manuscripts of Iran (فهرستگان نسخ خطی ایران =).

Findings: Out of 554 titles identified, 392 had notes of place. Around 50 % (192 titles) were written or copied in Mashhad and Isfahan, Shiraz, Qazvin, Kashan, and Tabriz. Only for 86 titles the center was mentioned. Of this number 65 were produced in 47 seminaries. The rest were reproduced in centers such as shrines, mosques, private houses, Nezamiyehs (institutions of higher learning in the Muslim world), Khangahs (Sufi centers for spiritual retreat), and local communities.

Conclusion: Proliferation of Shiite schools in the first half of the Safavid period in major cities played an important role in reproduction of Imami jurisprudential texts for teaching purposes. Authors of contemporary works were jurists like Mohaghegh Karki and Sheikh Baha'i and the works of famous jurists who immigrated from Jabal Amel to Iran upon the invitation of Safavid monarchs to help with the promotion of Imami Shiism among the population which the majority used to be Sunnis until then. Classical works by authors such as Allameh Helli and Mohaghegh Helli were also copied vastly.

Keywords: Reproduction centers, Compilation and writing of jurisprudential works, Shiite jurists, The first Safavid period, Manuscripts of Iranian libraries.

Article Type: Research Article

Article history: Received. 10 Feb. 2022; Received in revised form: 26 Feb. 2022; Accepted: 15 Mar. 2022

Citation:

Azimi, H., (2022). Cities and centers of Shiite jurisprudential texts compilation and transcription in Iran during the first half of the Safavid state (1501-1588). *Librarianship and Information Organization Studies*, 33(2): 54-66. Doi: [10.30484/NASTINFO.2022.3120.2124](https://doi.org/10.30484/NASTINFO.2022.3120.2124)



Publisher: National Library and Archives of I.R. of Iran

Doi: [10.30484/NASTINFO.2022.3120.2124](https://doi.org/10.30484/NASTINFO.2022.3120.2124)

© The Author(s).

شهرها و کانون‌های تألیف و استنساخ آثار فقهی شیعی در نیمه نخست

دولت صفوی (۹۰۷-۱۰۳۸ ق.)

حبیب‌الله عظیمی^۱

^۱. دانشیار پژوهشی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، تهران، ایران؛ Habibazimi@yahoo.com

چکیده

هدف: تألیف و استنساخ آثار فقهی پیشین سهم بزرگی در تقویت بنیان‌های فکری و التزام عملی جامعه و گسترش تشیع در دوران صفویه داشت. این پژوهش کانون‌های تولید این آثار را از به قدرت رسیدن این سلسله (۹۰۷ ق.) تا عصر شاه عباس اول (از ۹۰۷ تا ۱۰۳۸ ق.) معرفی می‌کند. روش: با استفاده از نمایه‌های فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا) آثار و محل کتابت آن‌ها جست‌وجو شد. داده‌های نسخه‌شناسی آثار در سیاهه واریس وارد شد. سپس اطلاعات مرتبط در چند جدول درج و تحلیل شد.

یافته‌ها: از ۵۵۴ عنوان کتاب و رساله فقهی تألیف‌شده در این دوره، ۳۹۲ عنوان دارای توضیح محل کتابت هستند؛ نزدیک به ۵۰ درصد آن‌ها در مشهد (پایتخت معنوی) و اصفهان (پایتخت سیاسی و فرهنگی) و بقیه در شیراز، قزوین، کاشان و تبریز کتابت شده‌اند. فقط در ۸۶ نسخه نام کانون استنساخ ذکر شده است. از آن میان ۶۵ نسخه در ۴۷ مدرسه دینی و فقط ۲۰ نسخه در حرم‌ها، مسجدها، خانه‌ها، نظامیه‌ها، و خانقاه‌ها و محله‌ها تهیه شده است. **نتیجه‌گیری:** مدارس نو تأسیس شیعی در شهرهای بزرگ ایران کانون اصلی استنساخ و انتشار آثار فقهی امامیه بودند. حرم‌های مطهر، مساجد، نظامیه‌ها و حتی منازل علما به‌منزله مراکز درس نیز کانون‌های استنساخ بودند. نسخه‌ها آثار فقیهانی همچون محقق کرکی، شیخ بهایی، شیخ ابراهیم قطیفی، شیخ یوسف بحرانی و شیخ حرعاملی بودند که به تشویق شاهان صفوی از جبل‌عامل، حله، بحرین، احساء و قطیف به ایران آمده بودند. همچنین آثار فقهی مشهور متقدمین مانند علامه حلّی و محقق حلّی در شهرهای مشهد و اصفهان به دو جهت بیشتر از سایر شهرها بود: الف) وجود مدارس متعدد شیعی در شهر مذهبی مشهد و در پایتخت حکومت صفویه یعنی اصفهان؛ ب) حضور فقهای امامیه مهاجر از جبل‌عامل و سایر مراکز شیعی خارج از ایران در این دو شهر بزرگ و مذهبی.

کلیدواژه‌ها: کانون‌های استنساخ، تألیف و کتابت آثار فقهی، فقهای شیعه، نیمه اول دوره صفوی، نسخ خطی کتابخانه‌های ایران

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱؛ دریافت آخرین اصلاحات: ۱۴۰۰/۱۲/۰۶؛ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۴

استناد:

عظیمی، حبیب‌الله (۱۴۰۱). شهرها و کانون‌های تألیف و استنساخ آثار فقهی شیعی در نیمه نخست دولت صفوی (۹۰۷-۱۰۳۸ ق.). *مطالعات کتابداری*

و سازماندهی اطلاعات، ۳۳(۲): ۵۴-۶۶. Doi: 10.30484/NASTINFO.2022.3120.2124



© نویسندگان

ناشر: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

Doi: 10.30484/NASTINFO.2022.3120.2124

مقدمه

عصر صفویه دوره‌ای مهم در تاریخ ایران و اسلام به‌شمار می‌رود. پادشاهان صفوی پس از تشکیل حکومت مرکزی کوشیدند با استفاده از روحانیت تشیع در داخل و خارج کشور و ترغیب آنان به تقویت و تبلیغ مذهب و تدوین کتب و رسائل شیعی، زمینه استحکام بنیان مذهبی را فراهم سازند. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره، نوع فعالیت‌های بسیاری از نخبگان علمی شیعه و فقهای امامیه است که در عرصه رویارویی با سایر مذاهب اسلامی، نقش‌آفرین بودند. جهت‌گیری‌های این گروه از عالمان در برابر سایر مذاهب اسلامی به سبب تقویت بنیادهای اعتقادی شیعی و توسعه و گسترش فقه امامیه در برابر سایر مذاهب اسلامی و البته تقویت بنیادهای سیاسی دولت صفوی در برابر دولت عثمانی اهمیت فراوان داشت. بی‌شک تألیف و استنساخ منابع جدید فقهی و کتابت آثار فقهی علمای پیشین، سهم بزرگی در تقویت بنیان‌های فکری و التزام عملی افراد جامعه و گسترش تشیع در دوران صفویه دارد.

رونق تعلیم و تعلم معارف شیعه، به‌ویژه فقه، در کانون‌های استنساخ و به‌ویژه در مدارس روزگار صفویه در ایران، موجب شد که از میانه دوره حکومت صفویه، کانون‌های دینی مذهب تشیع اثنا عشری در عراق از شکوفایی علوم دینی در ایران تأثیر پذیرند. پایتخت حکومت صفویه (اصفهان) و شهرهای مهمی همچون مشهد و شیراز در این زمینه تأثیرگذار بودند و سرانجام مرکز علمی و فقهی تشیع تا دو قرن و نیم به ایران منتقل شد (جعفریان، ۱۳۷۹، ۸۱۴). مدارس این عصر، از مؤثرترین و پایدارترین حامیان تشیع فقه‌تشیع بودند و تدریس بسیاری از متون مهجور شیعه و تألیف آثار جدید و استنساخ آثار فقهی امامیه در مدارس آن روزگار رواج یافت. براساس گزارش منابع تاریخی این دوره مانند *ریاض العلماء* و جست‌وجوی آثار شیعی عصر صفوی در فهرس نسخ خطی، به تبع افزایش میزان تعلیم و تعلم فقه امامیه در مدارس و حوزه‌های درسی، تألیف آثار جدید فقهی به‌دست فقها و استنساخ کتب فقهی علمای متقدم شیعه و فقهای این دوره به‌دست فاضلان و کاتبان، آشکارا فزونی و پیشرفت داشته و روند صعودی آن ادامه یافته است. «این ویژگی را از متون آموزشی و کتاب‌های استنساخ‌شده آن دوره نیز می‌توان استنباط کرد» (بخشی استاد، ۱۳۹۰، ۱۲۳-۱۳۷).

با رونق‌گرفتن مذهب شیعه در مدارس دوره صفوی، تألیف و تدوین، ترجمه، استنساخ و کتابت متون دینی به‌ویژه در حوزه فقه شیعی در کانون‌های استنساخ، به‌ویژه در مدارس گسترش یافت. گزارش‌های فراوانی درباره تدوین و استنساخ بسیاری از متون دینی شیعی در نیمه اول دوره صفوی و تداوم این روند در نیمه دوم عصر صفوی، در کتب خطی این دوره در دست است.^۱ «با بررسی متون شیعی و فقهی برجای‌مانده از آن دوره می‌توان دانست که بیشتر آن‌ها در عصر صفوی سامان یافته‌اند» (بخشی استاد و احمدی، ۱۳۹۲، ۱۲). تعداد شایان توجهی از این آثار در مدارس این دوره، تألیف یا کتابت شده‌اند که در انجامه (ترقیمه) برخی از نسخ خطی کتابت‌شده در این دوره، نام مدرسه محل کتابت و کاتب آن نیز ذکر شده است.

با بررسی فهرستگان نسخ خطی ایران، می‌توان نمونه‌های زیادی ارائه داد که بر فزونی میزان تألیف و استنساخ و گستردگی کانون‌های استنساخ آثار فقهی شیعی در این دوره دلالت دارد. با توجه به نسخه‌های خطی این دوره، می‌توان دریافت که کاتبان بخش فراوانی از این نسخه‌ها، فاضلان و طالبان علوم دینی بوده‌اند (بخشی استاد، ۱۳۹۰، ۱۲۳-۱۳۰) که برای تأمین نیاز خود به منابع درسی، آثار فقهی را استنساخ کرده‌اند. «بیشتر نویسندگان یا مترجمان این آثار از مدرسان و دانش‌آموختگان مدارس دوره صفوی بوده‌اند» (بخشی استاد و احمدی، ۱۳۹۲، ۱۴).

کانون‌های تعلیم و تعلم در ایران دوره صفویه عبارت بودند از: مساجد، مکتب‌خانه‌ها و مدارس. تعلیم و تربیت به‌منزله نهادی تأثیرگذار توجه صفویان را به خود معطوف ساخت و آنان برای پیشبرد اهداف خود به تأسیس مراکز آموزشی اهتمام ورزیدند که در آن تعلیم علوم دینی و معارف تشیع محور بود (اسکندریبگ ترکمان، ۱۳۸۲، ج ۱، ۱۲۳). جریان علمی عصر صفوی

۱. برای نمونه رجوع شود به: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۱۲، ص ۲۷۰ و ج ۱۴، ص ۱۰۱، ج ۱۶، ص ۱۰، ج ۱۷، ص ۲۳۴.

بیشتر در مراکز کهن و ریشه‌دار فعالیت‌های علمی، یعنی مدارس پیگیری می‌شد. مدرسه مهم‌ترین مرکز نهاد آموزش در دوره صفوی به‌شمار می‌رفت و از حمایت‌های حکومت صفوی و دیگر اқشار بانفوذ جامعه برخوردار بود. مدارس در کنار مساجد و یا در ضمن آن‌ها فعالیت می‌کردند و رابطه تنگاتنگی میان آن‌ها وجود داشت (قنبرزاده، ۱۳۹۲، ۴۹). مدرسه در تعریف این دوران، نوعی کالج یا دانشگاه به‌شمار می‌رفت که در آن، جریانی نسبتاً سطح بالا از علم مدنظر قرار داشت. نکته شایان توجه این بود که همه این مدارس جنبه دینی داشتند. عالمانی که در این مدرسه‌ها فعالیت می‌کردند، فقط در یک حوزه متخصص نبودند. پس از تثبیت حکومت صفوی و ایجاد ثبات سیاسی و در نتیجه پیشرفت اقتصادی، در کشور روند احداث مدارس سیر صعودی یافت (بخشی استاد، ۱۳۹۲، ۲۰۰).

مدارس عصر صفویه نقش مهمی در جایگاه تولید و استنساخ کتاب داشتند. این نکته در دوره‌ای که صنعت چاپ در ایران هنوز رونق نیافته بود بسیار مهم می‌نماید؛ زیرا در این دوران با توجه به رونق‌نداشتن صنعت چاپ در ایران، تکثیر متون علمی فقط از طریق نسخه‌برداری یا استنساخ کتاب ممکن بود و هزینه فراوانی در پی داشت. همچنین بیشتر طلاب متون درسی را خود استنساخ می‌کردند و حتی شماری از آنان از این راه هزینه‌هایشان را تأمین می‌کردند (جزایری، ۱۴۰۹، ج ۴، ۳۰۷). این پدیده شایع در مدارس، که جزو کانون استنساخ دانشمندان و فاضلان به‌شمار می‌رفت^۱، از عوامل تأثیرگذار در گسترش متون دینی تشیع در این دوره بود؛ زیرا بیشتر کتاب‌های تولید و استنساخ‌شده در مدارس، آموزه‌های مذهب تشیع را دربر داشتند. مجموعه این عوامل، موجب افزایش تألیف و استنساخ و تکثیر کتب شیعی، به‌ویژه کتاب‌های فقهی در عصر صفوی شد. نفوذ علما به‌ویژه علمای مهاجر در دربار پادشاهان صفوی، رویکرد جدیدی را در این دوره در گسترش علوم دینی - همانند فقه و حدیث - در جامعه شکل داد؛ چنان‌که بسیاری از آثار شیعی از عراق، جبل‌عامل، بحرین و حتی هند به ایران انتقال یافت و گسترش و تکثیر و بیشتر، استنساخ برخی از دانش‌ها متحول شد.

از مراکز تجمع مدرسان و طالبان دانش‌های دینی در نیمه اول دوره صفوی، شهرهای شیراز، تبریز، قزوین، اصفهان و مراکز ولایت‌ها و ایالت‌های ثروتمند و همچنین شهرهایی مانند مشهد، قم، کربلا و نجف بود؛ علاوه بر آنکه حوزه‌های دیگری در شهرهای عراق محل توجه قرار گرفته بود.

در این دوره در شهرهای بزرگ، به‌ویژه در اصفهان، هزاران کاتب به استنساخ کتاب مشغول بودند و آثار مکتوب را برای استفاده خود یا به درخواست دیگران کتابت می‌کردند. کاتب کتاب را استنساخ می‌کرد. سپس کتاب استنساخ‌شده به کتابخانه شخصی عالم یا وزیر یا شاه یا کتابخانه مدرسه‌ای منتقل می‌شد. ممکن بود عالمی کتابی را خود استنساخ کند یا با دادن پول کار استنساخ را به دیگری واگذارد. تحویلدار در این خصوص چنین می‌نویسد: «سلاطین صفوی، کتب هر علمی را تصحیح و تنقیح کرده، سه دسته از کل آن‌ها را به خط خوش نویسانده، وقف فرموده، یک دسته را در کتابخانه مبارکه امام ثامن حضرت رضا - علیه آلف التحیه و الثناء - و یک دسته در کتابخانه شاه صفی - قدس الله روحه - فرستاده بودند. دسته دیگرش را در کتابخانه دولتی مدرسه چهارباغ اصفهان ضبط و محفوظ داشتند و از نسخ آن‌ها، بعضی دوتایی در کتابخانه‌های مدارس و ولایات و مملکت بود» (تحویلدار، ۱۳۸۷، ۴۸).

مسئله اصلی این پژوهش، بررسی فراوانی تولید کتب فقهی (اعم از کتبی که مؤلفان تألیف کرده‌اند و یا نسخه‌های فقهی که کاتبان استنساخ کرده‌اند) و تعیین میزان پراکندگی کتابت نسخه‌های فقهی در شهرهای مختلف و تعیین مراکز و کانون‌های استنساخ آثار فقهی در نیمه اول دوره صفوی است. پس از تعیین فراوانی نسخ خطی فقهی، که در دوره صفوی فقها تألیف و یا فاضلان و کاتبان استنساخ کرده‌اند و تعیین کانون‌های استنساخ این نسخه‌ها می‌توان به روند روبه‌رشد توجه به علم فقه امامیه در این دوره و تداوم این سیر صعودی در دوره‌های بعدی پی برد و به این نتیجه رسید که دوره صفویه در راستای گسترش کانون‌های استنساخ و در رأس آن‌ها مدارس شیعی و رشد فزاینده استنساخ آثار فقه شیعی در آن کانون‌ها، نقطه عطفی در

^۱. مساجد و خانقاه‌ها نیز از مراکز دیگر کانون استنساخ دانشمندان و فاضلان به‌شمار می‌رود.

تاریخ ایران به‌شمار می‌آید؛ چنان‌که نویسنده *محافل المؤمنین*، از علمای پس از عصر صفویه، معتقد است که مانند کتب دینی این دوره، در هیچ دوره دیگری نوشته نشده است (حسینی عاملی، ۱۳۸۳، ۱۰۷-۱۰۸).

پژوهش حاضر، با استناد به نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌های ایران، پراکندگی استنساخ آثار فقهی در مناطق جغرافیایی ایران را در نیمه اول دوره صفویه بررسی می‌کند. این بررسی همچنین میزان کتابت نسخه‌های فقهی امامیه را در کانون‌های مختلف استنساخ در همان دوره دربر می‌گیرد.

با توجه به اهداف فوق، پژوهشگر درصدد پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

شهرهای مراکز کتابت و استنساخ آثار فقهی در نیمه اول دوره صفوی کدام است؟

فراوانی نسخه‌های فقهی تولیدشده در مراکز و کانون‌های استنساخ دانشمندان و کاتبان در نیمه اول دوره صفوی چه میزان است؟

منظور از کانون‌های استنساخ در این پژوهش، مراکزی است که در آن‌ها کتابت و استنساخ کتب خطی انجام می‌شده که عبارت‌اند از: الف) کانون دانشمندان که در آن نسخه‌های مدرسه‌ای و درسی برای تعلیم و نشر دانش کتابت شده و بیشتر به‌منظور تأمین نیاز متون علمی اهل علم شکل گرفته است؛ ب) کانون دیوانی که برای تولید کتاب‌های نفیس و اهدای آن‌ها به حاکمان و سلاطین و دربارها و دیوان‌ها دایر شده است؛ ج) کانون وراقان و کاتبان که در آن وراقان حسب نیاز اهل علم یا با دریافت سفارش، نسخه‌هایی را در اختیار کاتبان قرار می‌دادند و کاتبان هم با دریافت دستمزد به سفارش وراقان و یا به درخواست اهل علم، اقدام به کتابت نسخه‌های خطی می‌کردند (عظیمی، ۱۳۹۶، ۸۹).

تولید کتب فقهی نیز شامل تألیف و کتابت آن (تألیف کتاب به‌دست مؤلف و استنساخ و کتابت آن به‌دست کاتبان) است. منظور از استنساخ نسخ خطی، کتابت نسخه‌ای از اثر به‌دست کاتب است. از آداب کانون نسخه‌نویسان ایرانی در دوره‌های مختلف تاریخی، استنساخ و رونویسی نسخه جدید از روی نسخه دیگری از کتاب (اصطلاحاً نسخه مأخوذ) به‌دست کاتب بوده است (عظیمی، ۱۳۹۶، ۳۱-۳۴).

کتاب مستقل فقهی کتابی استدلالی در ابواب مختلف فقهی است که مؤلف آن اثر را به‌منزله اثر مستقل فقهی تألیف کرده است. کتاب غیرمستقل کتابی است در شرح یا حاشیه بر کتابی دیگر؛ همچنان‌که رساله فقهی اثر فقهی استدلالی مشتمل بر مباحث یک یا چند باب از ابواب مختلف فقهی است؛ مانند رساله در نماز، رساله در خمس و زکات، رساله در نماز جمعه. رساله فقهی هم ممکن است رساله مستقل یا غیرمستقل (شرح و حاشیه بر رساله دیگر) باشد.

منظور از پراکندگی جغرافیایی، تعیین شهرهای محل کتابت و کانون‌های استنساخ کتب فقهی اعم از مدارس، مساجد و خانقاه‌هاست. شهرهای مهم ایران نیز شامل شهرهایی است که در دوره مدنظر، در آن‌ها مدارس فقهی وجود داشته و آثار فقهی متعدد (دست‌کم بیش از پنج نسخه) استنساخ و کتابت شده باشد.

پیشینه پژوهش

در موضوع تولید آثار فقهی در دوره صفویه، پژوهش‌های متعددی در ایران (رئیس‌الساداتی، ۱۳۹۳؛ قنبرزاده، ۱۳۹۲؛ پور آرین، ۱۳۶۹؛ بهمنی، ۱۳۹۰؛ صالحی، ۱۳۸۶؛ سفیان، ۱۹۸۳؛ نیکزاد و حمزه، ۱۳۹۵) و در خارج از ایران (Roger Lakzaei, 2017; Savory, 1971; Jean Aubin, 1970; Rula Gurdi Abisaab, 1994) انجام شده که در بیشتر آن‌ها موارد ذیل بررسی شده است؛ تشکیل دولت با رویکرد جدید در دوره صفویه، سیاست مذهبی صفوی‌ها و مهاجرت فقهای بزرگ شیعه از مناطق شیعی خارج از ایران همچون بحرین، قطیف، احساء، حلّه و به‌ویژه جبل‌عامل به دارالسلطنه اصفهان و نقش آنان در دولت صفوی، نهادهای آموزشی، نقش و تأثیر مدارس مذهبی و روند افزایشی تولید آثار دینی و فقهی در این دوره. پژوهش حاضر، کاملاً با پژوهش‌های مشابه متفاوت است؛ به‌ویژه آنکه یافته‌های این پژوهش با جست‌وجو و با استناد به انبوهی از

مجموعه‌های نسخ خطی فهرست‌شده در کتابخانه‌های ایران تحقق خواهد یافت و این وجه، از ویژگی منحصر به فرد این پژوهش است.

روش پژوهش

این پژوهش به روش پیمایشی از نوع تحلیل محتوا انجام می‌شود؛ یکی از ابزارهای روش پیمایشی، چک‌لیست است که در این پژوهش از آن استفاده شده است. منابع اصلی برای گردآوری اطلاعات لازم برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش، نخست مجموعه ۴۰ جلدی فهرستگان نسخ خطی ایران (فنخا) و سپس نسخه الکترونیکی آن به آدرس (<https://scripts.nlai.ir>) و در موارد معدودی سایت آقابرگ طهرانی با آدرس (<https://Aghabozorg.ir>) است.

قلمرو تحقیق با توجه به گستردگی موضوع، کتب فقهی و مراکز استنساخ آن‌ها در دوره اول صفویه، از ابتدا تا عصر شاه عباس اول (از ۹۰۷ تا ۱۰۳۸ ق) و در محدوده جغرافیایی شهرهای مهم ایران (که در هریک از آن‌ها بیش از پنج نسخه فقهی در دوره مطالعه شده استنساخ شده) است. یافته‌ها نیز با استفاده از مطالب علمی و ادبیات پژوهش، به صورت کیفی تجزیه و تحلیل می‌شود.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش پاسخ به سؤال‌های پژوهش زیر است:

۱. شهرهای مراکز کتابت و استنساخ آثار فقهی در نیمه اول دوره صفوی کدام است؟
۲. فراوانی نسخه‌های فقهی تولیدشده در مراکز و کانون‌های استنساخ دانشمندان و کاتبان در نیمه اول دوره صفوی چه میزان است؟

مراکز مهم تولید کتب فقهی در نیمه اول دوره صفوی، شامل شهرهای بزرگ و مهم است که کانون‌های استنساخ و کتابت به‌شمار می‌رفتند؛ همچنین شامل مراکزی مانند مدارس و مساجد است که در هر شهر به‌منزله کانون تألیف دانشمندان و کانون استنساخ کاتبان به‌شمار می‌رفته است. در بخش نخست، شهرهای مهم مراکز استنساخ و سپس کانون‌های استنساخ دانشمندان و کاتبان بررسی می‌شود.

الف) شهرهای مراکز کتابت و استنساخ آثار فقهی در نیمه اول دوره صفویه

در جست‌وجوهای به‌عمل‌آمده از فهرستگان نسخ خطی ایران، معلوم شد که در مجموع ۵۵۴ عنوان کتاب و رساله فقهی در نیمه اول دوره صفوی تولید (اعم از تألیف و کتابت) شده که تعداد ۳۹۲ عنوان از آن آثار، دارای نسخه‌های کتابت‌شده (با تاریخ کتابت بین ۹۰۷ تا ۱۰۳۸ ق) و ۱۶۲ عنوان دیگر، بدون نسخه کتابت‌شده در این دوره^۱ است.

بنابراین در بررسی فراوانی کتابت و نحوه پراکندگی جغرافیایی مراکز استنساخ آثار فقهی در این دوره، مبنای بررسی‌ها همان ۳۹۲ اثر فقهی تألیف و کتابت‌شده در این دوره است. جدول ۱ فراوانی نسخه‌های فقهی کتابت‌شده در شهرهای مهم ایران (شهرهایی که در هریک از آن‌ها بیش از پنج نسخه از آثار فقهی کتابت‌شده) را نشان می‌دهد.

جدول ۱- پراکندگی جغرافیایی استنساخ آثار فقهی کتابت‌شده در نیمه اول دوره صفوی

^۱ منظور از عبارت «۳۹۲ عنوان از آن آثار دارای نسخه کتابت‌شده در این دوره است» آن است که ۳۹۲ عنوان کتاب فقهی یافته شد که هم زمان تألیف آن‌ها در این دوره است و هم نسخه‌های خطی استنساخ‌شده بین ۹۰۷ تا ۱۰۳۸ ق در کتابخانه‌های ایران موجود است. منظور از عبارت «بدون نسخه کتابت‌شده در این دوره» آن است که ۱۶۲ عنوان از کتاب‌های فقهی یافت شد که تاریخ تألیف آن‌ها در نیمه اول دوره صفوی است، اما نسخه‌های خطی استنساخ‌شده از این ۱۶۲ عنوان کتاب، مربوط به بعد از تاریخ ۱۰۳۸ ق است و در کتابخانه‌های ایران، کتاب خطی استنساخ‌شده با تاریخ کتابت بین ۹۰۷ تا ۱۰۳۸ ق از این ۱۶۲ عنوان کتاب مشاهده نشده است.

ردیف	نام شهر	تعداد عناوین استنساخ شده		تعداد نسخه کتابت شده
۱	مشهد	کتاب مستقل ^۱	عنوان ۱۳	۱۰۹ نسخه
		کتاب غیرمستقل	عنوان ۱۹	
		رساله	عنوان ۲۰	
۲	اصفهان	کتاب مستقل	عنوان ۱۳	۹۶ نسخه
		کتاب غیرمستقل	عنوان ۱۸	
		رساله	عنوان ۲۴	
۳	شیراز	کتاب مستقل	عنوان ۶	۳۳ نسخه
		کتاب غیرمستقل	عنوان ۱۴	
		رساله	عنوان ۸	
۴	قزوین	کتاب مستقل	عنوان ۱۲	۳۲ نسخه
		کتاب غیرمستقل	عنوان ۵	
		رساله	عنوان ۹	
۵	کاشان	کتاب مستقل	عنوان ۸	۲۶ نسخه
		کتاب غیرمستقل	عنوان ۱	
		رساله	عنوان ۱۰	
۶	یزد	کتاب مستقل	عنوان ۴	۱۸ نسخه
		کتاب غیرمستقل	عنوان ۵	
		رساله	عنوان ۵	
۷	تبریز	کتاب مستقل	عنوان ۳	۱۱ نسخه
		کتاب غیرمستقل	عنوان ۱	
		رساله	عنوان ۶	
۸	قم	کتاب مستقل	عنوان ۴	۱۱ نسخه
		کتاب غیرمستقل	عنوان ۱	
		رساله	عنوان ۳	
۹	استرآباد	کتاب مستقل	عنوان ۳	۷ نسخه
		کتاب غیرمستقل	عنوان ۲	
		رساله	عنوان ۱	
۱۰	مجموع	۲۱۸ عنوان		۳۴۳ نسخه

چنان‌که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از بین ۳۹۲ عنوان کتاب و رساله فقهی تألیف و کتابت شده در نیمه اول دوره صفوی، در مجموع تعداد ۲۱۸ عنوان (یعنی بالغ بر ۵۵ درصد) از آن در ۹ شهر کتابت شده‌اند. داده‌های این جدول نشان می‌دهد که شهرهای مشهد (پایتخت معنوی) و اصفهان (پایتخت سیاسی و فرهنگی) با بیشترین کتابت آثار فقهی از کانون‌های مهم استنساخ و کتابت آثار فقهی در ایران بوده‌اند و این اهتمام به لحاظ وجود مدارس متعدد شیعی و حضور فقهای امامیه مهاجر از جبل عامل به این دو شهر بزرگ و مذهبی بوده و به‌منظور نیاز آن مدارس به منابع فقهی، فاضلان و کاتبان متعددی در این دو شهر به کتابت آثار فقهی که نیاز مدارس بوده پرداخته‌اند.

بررسی اجمالی عناوین پرکاربرد از آثار فقهی فقهای مذکور در شهرهای مشهد، اصفهان و شیراز در جداول زیر نیز تأییدی بر این نکته است که بیشتر آثار فقهی کتابت شده در این شهرها، جزو منابع درسی و برای تأمین مدارس شیعی بوده است. در این دوره، علاوه بر مشهد و اصفهان، در شهرهای شیراز، قزوین، کاشان، یزد و تبریز نیز با شیب ملایم‌تری، استنساخ و کتابت آثار فقهی مورد نیاز مدارس شیعی ادامه یافته است. برای بررسی محتوای آثار فقهی پرکاربرد، برای نمونه فقهایی که استنساخ آثار آنان در دو شهر مشهد و اصفهان بیشتر مدنظر بوده، در جداول ۲ و ۳ ارائه می‌شوند:

۱. منظور از کتاب مستقل فقهی، کتابی استدلالی در ابواب مختلف فقهی است که مؤلف آن اثر را به‌منزله اثر مستقل فقهی تألیف کرده است؛ و کتاب غیرمستقل کتابی است در شرح یا حاشیه بر کتابی دیگر. همچنان‌که منظور از رساله فقهی، اثر فقهی استدلالی در یکی از ابواب مختلف فقهی است مانند رساله در نماز، رساله در حج و یا رساله در ارث.

جدول ۲- فقهای که بیش از یکی از آثار آنان در مشهد کتابت شده

ردیف	نام شهر محل کتابت	نام فقهی که بیش از دو عنوان از آثارش استنساخ شده است	تعداد عناوین مورد شرح
۱	مشهد	شیخ بهایی	۸ عنوان
		محقق کرکی	۶ عنوان
		شهید اول	۶ عنوان
		شهید ثانی	۶ عنوان
		علامه حلی	۴ عنوان
		فخرالمحققین	۳ عنوان
		محقق حلّی	۲ عنوان
۲	مجموع		۳۵ عنوان

جدول ۳- فقهای که بیش از یکی از آثار آنان در اصفهان کتابت شده

ردیف	نام شهر محل کتابت	نام فقهی که بیش از دو عنوان از آثارش استنساخ شده است	تعداد عناوین مورد شرح
۱	اصفهان	شیخ بهایی	۱۱ عنوان
		محقق کرکی	۷ عنوان
		شهید اول	۵ عنوان
		علامه حلّی	۵ عنوان
		میرداماد	۳ عنوان
		محقق حلّی	۲ عنوان
		شهید ثانی	۲ عنوان
۲	مجموع		۳۵ عنوان

با ملاحظه و بررسی عناوین پرکاربرد از فقهای که آثارشان را فاضلان و طلاب و کاتبان در شهرهای مهم ایران استنساخ کرده بودند، می‌توان به این تحلیل رسید که صرف‌نظر از آثار فاضل مقداد و شیخ طوسی و شیخ صدوق - که در آیات الاحکام واحادیث فقهی است - در این دوره، بیشتر آثار فقهی پرکاربرد با استنساخ‌های فراوان مربوط به کتاب‌های مستقل فقهی علمای متقدم همچون علامه حلّی، محقق حلّی، شهید اول و کتاب‌های غیرمستقل و رساله‌های فقهی معاصر صفویه مانند شهید ثانی، محقق کرکی و شیخ بهایی است. با توجه به نوپدیدبودن رسمیت‌یافتن مذهب شیعه در نیمه اول دوره صفوی، فقهای این دوره چاره‌ای نمی‌دیدند که در مدارس به تدریس کتاب‌های فقهی علمای متقدم بپردازند و به موازات آن، مراجعه به آن کتاب‌ها با رشد فزاینده‌ای مواجه شد که نتیجه‌اش، کتابت نسخه‌های متعدد از آن کتاب‌ها به دست فاضلان و کاتبان شد. با افزایش مراجعه به کتاب‌های فقهی متقدم، فقهای معاصر صفویه همچون شهید ثانی و محقق کرکی و شیخ بهایی دست به دو نوع تألیف زدند: الف) کتاب‌هایی در شرح و بسط کتاب‌های متقدمین در قالب شرح و حاشیه بر آنها؛ ب) رساله‌های مستقلی در موضوعات پرکاربرد برای تدریس در مدارس و رفع نیاز توده مسلمان همچون تألیف رساله‌هایی در موضوعات نماز، روزه، حج، خمس و زکات، عقود و ایقاعات، نماز جمعه و مسئله خراج. پس می‌توان گفت فقهای نیمه اول دوره صفوی با غور و ژرف‌اندیشی در آثار فقهی پیشینیان و نگاشتن شرح و حاشیه بر آن آثار از طرفی، و تألیف رساله‌های متعدد استدلالی از طرف دیگر، رفته‌رفته زمینه را برای تألیف کتاب‌های فقهی مستقل و استدلالی به دست فقهای دوره بعد (دوره صفوی دوم) -

که تربیت‌یافتگان فقهای دوره نخست در مدارس علمیه تازه‌تأسیس این دوره‌اند - آماده کرده بودند؛ همچنان‌که زمینه را برای توسعه و گسترش فقه امامیه در جامعه آماده کرده بودند.

ب) کانون‌های استنساخ دانشمندان و کاتبان در نیمه اول دوره صفوی

در جدول ۴، مراکز و کانون‌های کتابت و استنساخ آثار فقهی در نیمه اول دوره صفوی مشاهده می‌شود. براساس یافته‌های این جدول، از میان ۳۹۲ کتاب و رساله فقهی تألیف و کتابت‌شده در نیمه اول دوره صفوی، فقط در ۸۶ نسخه از آثار فقهی بررسی شده، کانون استنساخ ذکر شده است که بیشترین فراوانی استنساخ، مربوط به مدرسه است. ۴۷ مدرسه فعال در این دوره، با ۶۵ استنساخ اثر فقهی، علاوه بر ۲ نظامیه^۱ با ۲ استنساخ، با سایر کانون‌ها فاصله معناداری دارند که در مجموع ۱۶ مرکز با ۱۹ استنساخ اثر فقهی هستند. فراوانی کانون‌های بعدی و آثار استنساخ‌شده فقهی در آن‌ها چنین است: ۴ حرم با ۷ نسخه؛ ۵ مسجد با ۵ نسخه؛ ۵ منزل و خانه با ۵ نسخه؛ ۱ خانقاه با ۱ نسخه؛ ۱ محله با ۱ نسخه. جداول زیر میزان کتابت و استنساخ آثار فقهی را در مدارس و کانون‌های دیگر نشان می‌دهد.

جدول ۴- تعدد کانون‌های استنساخ آثار فقهی و فراوانی نسخه‌های کتابت‌شده

ردیف	نام مراکز و کانون‌های استنساخ	تعداد مراکز و کانون‌ها	تعداد نسخه‌های کتابت‌شده در کانون‌های استنساخ
۱	مدرسه و نظامیه	۴۷ مدرسه، ۲ نظامیه	مدرسه: ۶۵ نسخه نظامیه: ۲ نسخه
۲	حرم	۴ حرم	۷ نسخه
۳	مسجد	۵ مسجد	۵ نسخه
۴	منزل و خانه	۵ منزل و خانه	۵ نسخه
۵	خانقاه	۱ خانقاه	۱ نسخه
۶	محله	۱ محله	۱ نسخه
۷	مجموع	۶۵ عدد کانون	۸۶ نسخه

جدول ۵- نحوه پراکندگی مدارس شیعی و فراوانی نسخه‌های فقهی کتابت‌شده

ردیف	نام کشور	نام شهر	نام مدرسه	تعداد آثار کتابت‌شده
۱	ایران	مشهد رضوی (۹ مدرسه)	امیر یونس خواجه، امین‌الدین پیرزاد، بالاسر، پریزاد، شاهرخ، شاروجیه، قدمگاه، میرافضل، یوسف خواجه	۱۶ نسخه
		شیراز (۹ مدرسه)	خواجه مقصود بیکی، رفیعیه، رضویه، لطفیه، محبیه، منصوریه، میرزا علی جابر انصاری، میرزا لطف‌الله، نظامیه	۱۳ نسخه
		اصفهان (۶ مدرسه)	جعفریه، شاه‌عباس، شیخ لطف‌الله، عیدیه نزدیک مسجد جامع کبیر، مبارکشاه، محمودشاه	۶ نسخه
		کاشان (۴ مدرسه)	حسینیه، سعید، معینه، معینی	۵ نسخه
		تهران (۳ مدرسه)	خواجه مقصود بیکی، شاهزاده عبدالعظیم، فخرالدین	۳ نسخه
		قزوین	رزم ساریه	۵ نسخه

۱. نظامیه‌ها: مدارس نظامیه در دوران سلجوقیان و به‌دست خواجه نظام الملک پایه‌گذاری شد؛ به همین دلیل اسم این مدارس را نظامیه گذاشتند. او در دوازده شهر مهم، مدارس شبانه‌روزی تأسیس کرد. این مدارس در شهرهای بزرگ آن دوره همچون اصفهان، نیشابور، بغداد، قاهره، بلخ، آمل و هرات فعالیت داشتند. معروف‌ترین نظامیه‌های دوره سلجوقی، نظامیه‌های نیشابور و بغدادند. در این مدارس، به آموزش‌های علوم و فنون روز پرداخته می‌شد.

ردیف	نام کشور	نام شهر	نام مدرسه	تعداد آثار کتابت شده
		(۱ مدرسه)		
		قم (۱ مدرسه)	فاطمیه	۲ نسخه
۲	آذربایجان (فعلی)	شماخی (۱ مدرسه)	جلالیه	۱ نسخه
۳	افغانستان (فعلی)	هرات (۱ مدرسه)	نظامیه	۱ نسخه
۴	ترکیه	قسطنطنیه (۱ مدرسه)	مدرسه شریفه قعریه	۱ نسخه
۵	سوریه	دمشق (۱ مدرسه)	خاتونیه	۱ نسخه
۶	عراق (فعلی)	حله (۲ مدرسه)	صاحب الزمان، مرسیه	۲ نسخه
۷	هندوستان	گلکنده (۱ مدرسه)	شاه مردم	۱ نسخه
۸	نامعلوم (۷ مدرسه)		سلطان، سلطانیه، شیخ الاسلام شیخ احمد بن ابی جامع، عبیدیه، مجدییه، ملا قاضی علی، میرافضل	۸ نسخه

مبنای طبقه‌بندی شهرها در کشور ایران و کشورهای دیگر در جدول ۵، تقسیمات کشوری است نه تقسیمات دوره صفوی؛ زیرا بر مبنای جغرافیای تاریخی دوره صفویه، شهر هرات در آن دوره جزو ایران بوده است. عراق در کل دوره شاه اسماعیل و نیمی از دوره شاه طهماسب و بخشی از دوره شاه عباس و شاه صفی نیز جزئی از ایران بوده است. بحرین نیز به جز نیمه اول صفویه، که در چنگ پرتغالی‌ها بوده، در نیمه دوم کاملاً جزو ایران بوده است. آذربایجان هم، که در دوره صفوی جزو ایران بوده، در زمره جمهوری‌های تازه تأسیس قلمداد می‌شود.

با توجه به نیاز پادشاهان صفویه به گسترش فرهنگ و عقیده شیعه امامیه پس از اعلام رسمی شدن مذهب شیعه در ایران، اهتمام به تأسیس و راه‌اندازی مدارس شیعی در شهرهای بزرگ و مهم کشور از برنامه‌های پادشاهان صفوی در نیمه اول دوره صفوی بود. با بررسی مراکز کتابت در نیمه اول دوره صفوی، در میان آثار فقهی مطالعه‌شده، تعداد مدارس شهرهای مشهد و شیراز و اصفهان از فراوانی بالایی برخوردار بودند و تعداد مدارس شهرهای کاشان و تهران در رتبه بعدی و تعداد مدارس شهرهای قزوین و قم در رتبه آخر قرار داشتند. در همه مدارس ایران و حتی مدارس کشورهای دیگر (ذکرشده در جدول ۹)، آثار فقهی فقهای مشهور امامیه و بیشتر، کتاب‌هایی که منبع درسی تلقی می‌شوند کتابت و استنساخ شده‌اند.

جدول ۶- نحوه پراکندگی مراکز دیگر شیعی (به جز مدرسه) و فراوانی نسخه‌های فقهی کتابت شده

ردیف	نوع مرکز	نام مرکز	تعداد نسخه کتابت شده در مرکز
۱	مسجد (۴ مسجد)	مسجد الحرام (مکه)، مسجد اولیاءالله، مسجد خواجه بکیجان بزاز، مسجد جامع قدیم (اصفهان)	۴ نسخه
۲	حرم (۴ حرم)	حرم مطهر رضوی (مشهد)، حرم مطهر امام حسین (کربلا)، حرم مطهر امام علی (نجف اشرف)، حرم عبدالعظیم حسنی (شهرری)	۷ نسخه
۳	منزل و خانه (۳ منزل و ۲ خانه)	منزل قاضی اغلی، منزل کمال‌الدین حسین شیرازی، منزل مولانا محمد سمنانی، خانه ملا حاجی بابا، خانه ملا عبدالله شوشتری (مشهد)	۵ نسخه

۴	خانقاه (۱ خانقاه)	خانقاه ناصرالدین بن محمد بن ابوعلی (استرآباد)	۱ نسخه
۵	محلّه	محلّه باب‌الدشت (اصفهان)	۱ نسخه
۶	مجموع	۱۵ مرکز	۱۸ نسخه

در میان مراکز کتابت ذکر شده در جدول ۶، مساجد و حرم‌های مطهر فراوانی بیشتری داشته‌اند و در آن‌ها آثار فقهی فقه‌های مشهور مانند شهید اول، شهید ثانی، علامه حلّی، محقق حلّی، شیخ صدوق، شیخ طوسی، مقدس اردبیلی و محقق کرکی و بیشتر، از منابع درسی کتابت شده است.

چنان‌که یافته‌های جدول ۶ نشان می‌دهد، در میان کانون‌های استنساخ و کتابت آثار فقهی پس از مدارس شیعی، بیشترین فراوانی استنساخ آثار فقهی به اماکن مذهبی مسجد و حرم تعلق دارد. این یافته نشان می‌دهد که مساجد و حرم‌های مطهر ائمه اطهار (علیهم السلام) در دوره صفوی به‌جز کارکرد عبادی، کارکرد آموزشی هم داشته و به‌منابۀ کانون‌های استنساخ آثار مذهبی و فقهی نیز فعالیت داشته‌اند؛ علاوه بر آنکه در این دوره، منازل و خانه‌های علما نیز در حکم کانون‌های استنساخ در تولید و کتابت آثار مذهبی و فقهی نقش داشته‌اند.

نتیجه‌گیری

مطابق با یافته‌های تحقیق نتایج زیر به‌دست آمده است:

الف) با توجه به نیاز پادشاهان صفویه به گسترش فرهنگ و عقیده شیعه امامیه پس از اعلام رسمی شدن مذهب شیعه در ایران، اهتمام به تأسیس و راه‌اندازی مدارس شیعی در شهرهای بزرگ و مهم کشور از برنامه‌های پادشاهان صفوی در نیمه اول دوره صفوی بود. چنان‌که **جعفریان (۱۳۷۹)** در پژوهش خود آورده، تعداد مدارس شهرهای مشهد و شیراز و اصفهان از فراوانی بالایی برخوردار بودند. در همه مدارس شیعی این دوران، آثار فقهی فقه‌های مشهور امامیه و کتاب‌هایی که منبع درسی تلقی می‌شوند، کتابت و استنساخ شده‌اند. در میان کانون‌های استنساخ و کتابت آثار فقهی پس از مدارس شیعی، بیشترین فراوانی استنساخ آثار فقهی به اماکن مذهبی مسجد و حرم تعلق دارد؛ یعنی مساجد و حرم‌های مطهر ائمه اطهار (علیهم السلام) در دوره صفوی به‌جز کارکرد عبادی، کارکرد آموزشی هم داشته و به‌منابۀ کانون‌های استنساخ آثار مذهبی و فقهی نیز فعالیت داشته‌اند.

ب) شهرهای مشهد (پایتخت معنوی) و اصفهان (پایتخت سیاسی و فرهنگی) با بیشترین کتابت آثار فقهی از کانون‌های مهم استنساخ و کتابت آثار فقهی در ایران بوده‌اند؛ چنان‌که **جعفریان (۱۳۷۹)** نیز در تحقیق خود بدان اشاره کرده است و این اهتمام، به لحاظ وجود مدارس متعدد شیعی و حضور فقه‌های امامیه مهاجر از جبل عامل به این دو شهر بزرگ و مذهبی بوده و منطبق با تأکید **بخشی استاد (۱۳۹۰)** در پژوهش خود، به دلیل نیاز آن مدارس به منابع فقهی، فاضلان و کاتبان متعددی در این دو شهر به کتابت آثار فقهی مورد نیاز مدارس پرداخته‌اند.

ج) با توجه به نوپدیدبودن رسمیت‌یافتن مذهب شیعه در نیمه اول دوره صفوی، فقه‌های این دوره چاره‌ای نمی‌دیدند که در مدارس به تدریس کتاب‌های فقهی علمای متقدم پردازند و به موازات آن، مراجعه به آن کتاب‌ها با رشد فزاینده‌ای مواجه شد که نتیجه‌اش مطابق با گفته جزیایی (۱۴۰۹ ق.)، کتابت نسخه‌های متعدد از آن کتاب‌ها به‌دست فاضلان و کاتبان شد.

فقه‌های این دوره، با غور و ژرف‌اندیشی در آثار فقهی پیشینیان و نگاشتن شرح و حاشیه بر آن آثار از طرفی، و تألیف رساله‌های متعدد استدلالی از طرف دیگر، رفته‌رفته بستر را برای تألیف کتب فقهی مستقل و استدلالی به‌دست فقه‌های دوره بعد (دوره صفوی دوم) - که تربیت‌یافتگان فقه‌های دوره نخست در مدارس علمیه تازه‌تأسیس این دوره‌اند - آماده کرده بودند؛ همچنان‌که بستر را برای توسعه و گسترش فقه امامیه در جامعه فراهم کرده بودند. بنابراین، بیشتر آثار فقهی پرکاربرد با

استنساخ‌های فراوان در دوره مطالعه‌شده مربوط به کتاب‌های مستقل فقهی علمای متقدم همچون علامه حلی، محقق حلی، شهید اول و کتاب‌های غیرمستقل و رساله‌های فقهی فقهای معاصر صفویه مانند شهید ثانی، محقق کرکی و شیخ بهایی است.

منابع

- اسکندریگ ترکمان (۱۳۸۲). *تاریخ عالم آرای عباسی*. تصحیح ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اشکوری، سیدصادق (۱۳۸۷). *اسناد موقوفات اصفهان*. زیر نظر اداره کل اوقاف و امور خیریه اصفهان. قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- بخشی استاد، موسی الرضا (۱۳۹۰). *مدرسه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در عصر صفویه*. پایان‌نامه دکتری، رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه تهران.
- بخشی استاد، موسی الرضا (۱۳۹۲). *جایگاه مدرسه در عصر صفوی*. تهران: یاسین نور.
- بخشی استاد، موسی الرضا و احمدی، نزهت (۱۳۹۲). *تأثیر علمی مدارس در عصر صفویه*. پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، ۳(۱۱)، ۷-۲۷.
- بهمنی، مریم (۱۳۹۰). *بررسی تأثیر مدارس مذهبی اصفهان در گسترش و تثبیت تشیع در عصر صفویه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان.
- پورآرین، فواد (۱۳۶۹). *تاریخچه نظام طلبگی ایران عصر صفوی*. کارشناسی ارشد گرایش تاریخ، دانشگاه تهران.
- تحویلدار، میرزاحسین (۱۳۸۷). *جغرافیای اصفهان*، ویراستاران هومن عباسپور و منوچهر ستوده. تهران: انتشارات شنگرف.
- جزایری، عبدالله (۱۴۰۹ق). *الاجازة الکبیره*، به تحقیق محمد سمایی حائری. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۹). *صفویه در عرصه دین، فرهنگ و سیاست*. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- حسینی عاملی، محمدشفیع (۱۳۸۳). *محافل المؤمنین*، تصحیح ابراهیم عرب‌پور و منصور جغتایی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- رئیس الساداتی، جواد (۱۳۹۳). *فقه و فقهات در دوره صفویه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد.
- سفیان، محمد (۱۹۸۳). *الاسوس المعرفیه لسلطه العلماء فی جبل عامل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه لبنان.
- صالحی، رضا (۱۳۸۶). *بررسی نقش علمای جبل عامل در شکل‌گیری تشکیلات دینی دولت صفوی از شاه اسماعیل اول تا شاه عباس اول*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
- عظیمی، حبیب الله (۱۳۶۹). *نسخه‌نامه: کانون‌های استنساخ، عناصر نسخه‌شناسی، رویه‌های فهرست‌نویسی، شناخت جعل و اصالت نسخه‌ها*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- قنبری‌زاده، راضیه (۱۳۹۲). *نهادهای آموزشی شیعیان از دوره صفویه تا قاجاریه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گرایش تاریخ تشیع، دانشگاه پیام نور مشهد.
- لکزایی، نجف (۲۰۱۷). *المنهجیه المعرفیه للفقہ السیاسی عندالشیعه الامامیه*. الاجتهاد المعاصر، ۳(۳)، ۷۱-۹۲.
- نیکزاد، علی‌اکبر و حمزه، حسین (۱۳۹۵). *تشیع و تاریخ اجتماعی ایرانیان در عصر صفوی*. فصلنامه شیعه‌پژوهی، ۲(۶)، ۱۲۵-۱۵۰.

References

- Azimi, H. (2017). *Nuskha Nama*. Mashhad: Islamic Research Foundation Astan Quds Razavi. [In Persian]
- Bahmani, M. (2011). *Study of the impact of Isfahan religious schools on the expansion and consolidation of Shiism in the Safavid era*. Thesis of the Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University. [In Persian]
- Bakhshi Ustad, M. (2011). *School and its scientific and social effects in the Safavid era*. PhD Thesis, History and Civilization of Islamic Nations, Faculty of Theology, University of Tehran. [In Persian]
- Bakhshi Ustad, M. (2013). *The position of the school in the Safavid era*. Tehran, Yasin Noor. [In Persian]
- Bakhshi Ustad, M., & Ahmadi, N. (2013). *Scientific influence of schools in the Safavid era*. Journal of Islamic History, Third Year, 3(11), 7-27. [In Persian]

- Escander Beygh Torkman (2003). *History of the Abbasid world*. Edited by Iraj Afshar, Tehran, Amirkabir Publications. [In Persian]
- Ghanbarizadeh, R. (2013). *Shiite educational institutions from the Safavid period to the Qajar period*. Payame Noor University of Mashhad, Master Thesis, Shiite History. [In Persian]
- Hosseini Ameli, M. (2005). *Circles of the Believers*, edited by Ibrahim Arabpour and Mansour Jaghtai. Mashhad: Islamic Research Foundation. [In Persian]
- Jafarian, R. (2019). *Safavids in the field of religion, culture and politics (Volume II)*. Qom: Seminary and University Research Institute, fifth edition. [In Persian]
- Jazayeri, A. (1409 AH). *The Great Authority*, by Mohammad Samami Haeri. Qom: Ayatollah Marashi Library. [In Persian]
- Aubin, A. (1970), *La politique religieuse Safavids, in Leshiisme imamate*, Colloque de Strasburg, (Paris: presses universitaires de France, 1970).
- Lakzaei, N. (2017). *Contemporary Ijtihad*, 3(3), 71-92. [In Arabic]
- Nikzad, A., & Hamzeh, H. (2016). *Shiism and the social history of Iranians in the Safavid era*. Quarterly Journal of Shiite Studies, 6 consecutive, pp. 125-150. [In Persian]
- Poor Arian, F. (1990). *History of the systematicism of Safavid Iran*. M.Sc., University of Tehran, majoring in history. [In Persian]
- Ra'is al-Sadati, J (2014). *Jurisprudence and jurisprudence in the Safavid period*. Master Thesis, Faculty of Theology and Islamic Studies, Islamic Azad University, Mashhad Branch. [In Persian]
- Savory, R. (1971), *The emergence of the modern persian state under the Safavids*, (Iranshenasi 2, No2), P: 28-41.
- Safa, Z. (1363). *Education and knowledge in Iran*. Novin Publications, first edition. [In Persian]
- Abisaab, R. J. (1994). The Ulama of Jabal 'Amil in Safavid Iran, 1501-1736: marginality, migration and social change. *Iranian Studies*, 27(1-4), 103-122
- Salehi, R. (2007). *Study of the role of Jabal Amel scholars in the formation of the religious organization of the Safavid state from Shah Ismail I to Shah Abbas I*. Master Thesis in Islamic History of Iran, Imam Khomeini International University. [In Persian]
- Sufyan, M. (1983). *The basic knowledge of the dominance of the scholars in Jabal Amel*. Master Thesis, University of Lebanon. [In Persian]
- Tahvildar, M. (2008). *Geography of Isfahan*, editors Hooman Abbaspour and Manouchehr Sotoudeh. Shangarf Publications. [In Persian]